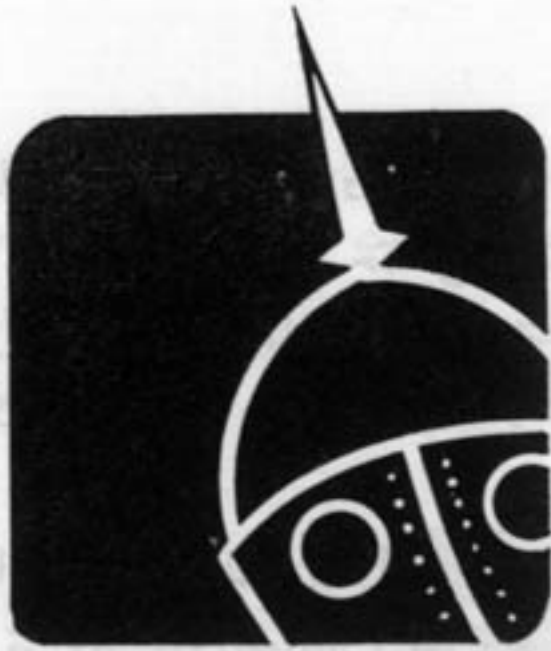


بحثی کوتاه در :



حماسه

و

رمان،

تراژدی

و

کمدی



فراهم آورده : احمد محمدی

معاون دانشکده هنرهای دریاچه



۱- حماسه و رمان

شهرت فراوان ایلید ۱ (Iliade) و انهاید ۲ (Éneide)

موجب شد که حماسه در ردیف اول انواع ادبی قرار گیرد ، بهمین سبب شاعران فرانسه از رنسارد ۳ (Ronsard) تا ولتر ۴ (Voltaire) برای خلق حماسه فرانسوی و

۱ - حماسه مشهور یونانی منسوب به هومر که در ۲۴ سرود بنظم آمده است .

۲ - مجموعه اشعار حماسی مشتمل بر ۱۲ سرود از ویرژیل (Virgile) شاعر یونان که در سال ۲۹ پیش از میلاد بسرودن آن دست زد و ده سال اخیر عمر خود را در این راه صرف کرد اما به سبب مرگ شاعر ناتمام ماند.

۳ - پیر دو رنسارد pierre de Ronsard شاعر فرانسوی ۱۵۸۵-۱۵۲۴

۴ - فرانسوا ولتر Francois Voltaire نویسنده ۱۷۷۸-۱۶۹۴

بدست آوردن مقامی در حد مقام شاهکارهای حماسی دوره باستان از هیچ کوششی فروگذار نکردند ، سعی صاحب نظران بر آن بود که از میان آثار حماسی گذشته قواعدی دقیق برای سرودن شعر حماسی وضع کنند و مختصات يك حماسه کامل را بدست آورند و آنرا بر انواع دیگر ادبی برتر شمارند ، زیرا که خلق حماسه مستلزم مهارت و شناخت وسیع و ذوق سلیم است .

صفت مشخص حماسه بیش از هر چیز عظمت پهلوان و شخصیت برجسته اوست ، عشق را نیز می توان در لابلای حوادث قهرمانی آن گنجانید ، اما عشقی با شکوه و درخور مردی جنگی ، شخص داستان حماسه باید کامل و از هر نقص مبرا باشد و صفات قهرمانی در او در حد کمال یافته شود . موضوع حماسه نیز باید بر مبنای تاریخ باستان قرار گیرد ، اما تاریخی که زمان در آن گم شده و مبهم و میان دوره وقوع حوادث و دوره نظم آن فاصله ای وجود داشته باشد حوادث داستان حماسی نیز با صورتی فرضی میان پهلوانان دو کشور دور دست با آداب و رسوم ناشناخته و دور از ذهن روی میدهد . اعمال پهلوانی در حماسه باید با بیانی ساده وصف شود و از تخیل شاعر بارور گردد ، اما سرشاری آنرا نمی توان در کمیت اعمال پهلوانان جستجو کرد بلکه توصیفی برجسته از يك عمل ساده همراه با ترکیبی دقیق و منظم میتواند حماسه ای بزرگ بوجود آورد .

هر حماسه شامل چهار رکن است :

اول مقدمه که در آن موضوع داستان و قهرمان آن معرفی میشود .

دوم استعانت از خدایان ۱

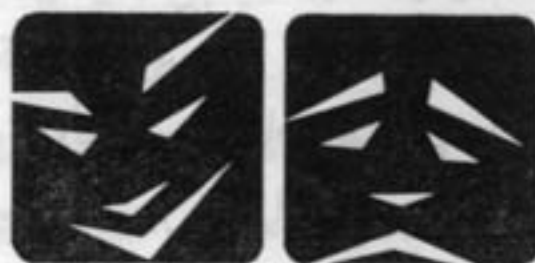
سوم روایت یا نقل داستان که نزدیک به تمامی يك اثر حماسی را در بر می گیرد و حوادث آن با نظمی منطقی بدنیال هم می آید بدون آنکه نظم تاریخی یعنی همان نظمی که تاریخ نویس مجبور به مراعات آن است در آن رعایت شود ، و همین مورد است که اختلاف میان حماسه سرائی و تاریخ نویسی را ایجاد می کند .

و رکن چهارم که گره گشائی است باید محتمل ، معقول و خوش آیند باشد ، اما شرط اصلی حماسه آن است که داستان در قالب شعر ریخته شود .

لیکن اگر داستانی بقالب نثر در آید از محدوده حماسه خارج میشود و نوع دیگری از انواع ادبی را شامل می گردد که بدان رمان نام می نهند ، این نوع ادبی گرچه از اقوانین مشکل و پیچیده تری پیروی می کند و قسمتی از قوانین حماسه را شامل است با اینحال صرف نظر از قالب الفاظ و جوه اختلاف دیگر نیز در آنها مشاهده می شود ، بدینصورت

۱ - در حماسه های ملی ایران که متعلق به مردمی است یکتا پرست پهلوانان از خدای یکتای توانا یاری می جویند

که در حماسه هسته اصلی جنگ و در رمان عشق است و یا در حماسه استعانت از خدا یا خدایان یکی از ارکان اصلی داستان است اما در رمان چنین رکنی وجود ندارد، بهرحال در مرحله گره‌گشایی شرط حقیقت‌نمائی و خوش‌آیندی در هر دو نوع باید رعایت شود و شاید بهتر باشد که نتیجه اخلاقی را به قواعد رمان‌نویسی اضافه کنیم.



۲- تراژدی و کمدی

شاعران و صاحب‌نظران مبنای کار خویش را در تعریف تراژدی و کمدی بر نظریه ارسطو استوار کرده و در هر مورد بقول وی استناد جسته‌اند که: تراژدی تقلید از اعمال جدی و کاملی است که دارای اندازه‌ای معلوم و آراسته بکلامی‌مزین بانواع زینتهائی که به‌حسب اختلاف اجزاء مختلف باشد و در قالبی دراماتیک بیان شود نه بصورت نقل و روایت، و هدف از آن تزکیه نفس باشد از راه ایجاد وحشت و ترحم...

لیکن مفسران در تشریح نظریه ارسطو چند نکته بر آن افزوده‌اند که بر مرحله گره‌گشایی و شرایط اشخاص بازی مربوط می‌شود، مثلاً کرنی^۱ (Corneille) معتقد است که ماهیت جدی بودن عمل و نجات ذاتی شخص بازی برای تشخیص تراژدی از کمدی کافی است.

اما همه صاحب‌نظران در باب آنچه وابسته به موضوع است متفق‌اند که: موضوع باید از تاریخ و یا بقولی افسانه گرفته شود و همه شاعران (باستثنای معدودی از آنها) از این قاعده پیروی می‌کنند و بیشتر تاریخ روم یا افسانه‌های یونانی را مایه کار خویش قرار می‌دهند، و در نتیجه موضوع‌های تازه بندرت پیش کشیده می‌شود.

ارسطو از دو گروه تراژدی نام می‌برد، یکی تراژدی ساده که در آن تبدیل و تحول شخص بازی و شناسائی وجود داشته باشد و دیگر تراژدی مرکب یا پیچیده که شامل دوگونی و تغییر ناگهانی احوال شخص بازی و شناسائی و یابیکی از آن دو باشد و معتقد است که تراژدی پیچیده کاملتر و قابل قبولتر است پیروان ارسطو نیز بر همین نکته تکیه کرده‌اند اما آیا تراژدی باید مشحون از حوادث گوناگون باشد؟ شاپلن^۲ (Chapelain) در

۱- توماس کرنی Tomas Corneille ۱۷۰۹-۱۶۳۵ شاعر فرانسوی و سراینده

۴۴ نمایشنامه

۲- ژان شاپلن Jean Chapelain ۱۶۷۶-۱۹۵۹ نویسنده فرانسوی و عضو

آکادمی فرانسه

تفسیری که بر گفته ارسطو می‌کند معتقد است که تراژدی باید بنهایت درجه صریح و يك حادثه بیشتر نداشته باشد.

اوبینیاک^۱ (Aubignac) معتقد است که تراژدی از لحاظ موضوع سه گونه است : شهوانی ، خدع‌ای و نمایشی و بگمان وی موضوعیکه درعین سادگی مرکب از نوع اول و دوم باشد ممتازتر است . در تراژدی‌های راسین^۲ (Racine) این روش کاملاً رعایت گردیده و بوضوح ملاحظه می‌شود که راسین با چه دقتی این شیوه را بکار بسته است .

قهرمان : ارسطو معتقد است که قهرمان تراژدی نباید جنایتکار یا بسیار پرهیز کار و صحیح‌العمل باشد . احوال قهرمان باید از خوشبختی به بدبختی تغییر کند اما این تغییر در اثر جنایت بوجود نیاید بلکه خطای قهرمان موجب تغییر احوال شود تا از این راه حس و حشت و ترحم ایجاد گردد . گرچه عده‌ای از صاحب‌نظران در این باب از ارسطو پیروی می‌کنند اما کرنی شیوه‌ای خاص انتخاب کرده و معتقد است که : قهرمان ممکن است بیگناهی باشد که در بدبختی افتاده یا گناهکاری خبیث که بعقوبت گناهش رسیده .

از نظر ارسطو قهرمان با آن‌ها که قطب دیگر درام را بعهده دارند باید رابطه خانودگی یا عاطفی داشته باشد و این رابطه را به چهار حالت ۳ تقسیم می‌کند یعنی حالاتی که بتواند در هنگام کشته شدن یکی از اشخاص داستان ظاهر شود و موجب شناسائی گردد و به تم (Theme) نمایشنامه امتیازی دهد .

امیال و شهوات : وحشت و ترحم دو نوع عاطفه است که از نظر ادراک تراژیک مورد قبول ارسطو قرار گرفته . ایجاد وسیله برای برانگیختن وحشت در تراژدی‌های قرن هفدهم کم و بیش از میان رفت و نویسندگان اغلب بجای ایجاد وحشت سعی می‌کردند که حالت خوش تماشاگران را مختل کنند ، ترحم نیز فقط باثباتر کرنی قرین بود و با آثار وی باقی ماند . اما نقش عشق در تراژدی صورتی خاص داشت ، بدین معنی که اگر قصد نویسنده آن

۱ - فرانسوا هدلن اوبینیاک Frncois Hedelin Aubignac ۱۶۷۶-۱۶۰۴
منقد و درام نویس فرانسوی

۲ - ژان راسین Jean Racine ۱۶۹۹-۱۶۳۹ شاعر دراماتیک فرانسوی

۳ - بنا به نظر ارسطو در يك اثر تراژدی فاجعه بچهار طریق ممکن است رخ دهد :

الف - عمل از روی شناسائی انجام می‌شود .

ب - عمل ندانسته و نشناخته صورت می‌گیرد و سپس تعرف حاصل می‌شود (نمونه بارز این نوع داستان رستم و سهراب است)

ج - شناسائی حاصل نشده لیکن پیش از شروع عمل ، شناسائی حاصل می‌شود .

د - با علم به هویت شخص داستان ، قهرمان ابتدا به عمل می‌کند اما آنرا بانجام نمی‌رساند .

باشد که با جایگزین کردن عشق در تراژدی ترحم و اعجاب تماشاگر را برانگیزد مسلماً موفق نخواهد شد. زیرا عشق در تراژدی يك وسیله است نه پایان عمل و بالاخره پژوهش گران این هنر ناچار بودند که سلیقه زمان را بپذیرند و برای رعایت ادب نسبت به زنان نظریه ارسطو را در باب تراژدی تاویل کنند، کرنی در این مورد با عقیده ارسطو مخالف است و چنین اظهار نظر می کند:

« مقام تراژدی ایجاب می کند که در آن منافعی برای ملت و یا امیالی عالیتر و نیرومندتر از عشق چون جاه طلبی یا انتقام وجود داشته باشد، و ارزش دارد گفته شود که ترس از بدبختی ها عظیم تر از فقدان يك معشوقه است. در اینجا ممکن است عشق قابل توجیه باشد زیرا زینت بخشی ظاهری آن زیادتر است و ممکن است برای این گونه منافع یا امیالی که در بالا از آن گفتگو کردم بکار بسته شود اما باید که خود را با قسمت دوم در طبقه بندی شعر ارضا نماید و قسمت اول را به امیال عالیتر واگذارد. »

گذشته از بحث در باب خلق و ابداع تراژدی، صاحب نظران را درباره موقعیت اشخاص بازی نیز آرا می است لیکن این نظریات بیشتر بکار بازیگران و مجریان تئاتر می آید تا محققان در شیوه های علمی و بهر حال سعی کرده اند که قواعد این نظریه ها را نیز به بعضی از اصول شیوه کلاسیک به پیوندند اما از آنجا که این نظریه آنچنان قابل ملاحظه نیست که در این مقال بازگو شود از ذکر آن خودداری می کنیم.

مبانی کمدی از مبانی تراژدی مختصرتر است، ارسطو در این باره باختصار نظر خویش را بیان می کند اما مفسرین نظریه ارسطو کمدی را چنین تفسیر کرده اند: « کمدی شعری است دراماتیک که سلسله وقایع آن مربوط باشد به اشخاص داستانی از طبقه وضع اجتماع و منشأ اعمال آن زندگی روزمره انسانها است، حقیقت نمایی و محتمل بودن حوادث در يك اثر کمدی بیشتر از تراژدی رعایت می شود، گره گشایی باید در خور موضوع و توطئه در آن ابداعی باشد. این مجموع قواعدی است که در کمدی رعایت می شود و از اینها که بگذریم سایر قواعد تراژدی و نبوغ طبیعی نویسنده می تواند در يك اثر کمدی دخالت تام داشته باشد. »

مآخذی که برای تهیه این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است

PHILIPPE VAN TIEGHEM

Les grandes doctrines
littéraire en France

دکتر ذبیح الله صفا

حماسه سرائی در ایران

دکتر عبدالحسین زرین کوب

فن شعر (ترجمه از LAPOETIQUE ارسطو)

فتح الله مجتبائی

هنر شاعری (ترجمه از LA POETIQUE ارسطو)

GRAND LAROUSSE ENCYCLOPEDIQUE